



**The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic Law The 16 rd.
Year/NO:2 Summer 2024**

**The role of preventive jurisprudential criminal policy against powerlifting
sport crimes and violations**

Arash Gholamrezai Rad^۱ Fatemeh Ahadi^۲ Jamal Beigi^۳

Received date: 2022/10/29

Acceptance date: 2024/4/29

Abstract

Today, sport is an international essence with national shades and cultures of countries. . Although, in the new era, sport is not considered as the beating pulse and absolute power of a society like the economy, but it can be said that any society relied on the foundations of healthy and powerful sport can be remained prominent and stable and considered to be recognized in the world arena. But , in Islamic countries such as Iran, sport operations should not be contrary to the Sharia standards, and rules of Islamic Sharia in the provisions of the Islamic Penal Code in clause C clearly illustrates that sport and sport operations must not require self-inflicted mutilation or other-one mutilation. The role of jurisprudential criminal policy measures is to protect the rights of sport in line with the provisions of the constitution and implementation of Islamic jurisprudence for economic, social and cultural development in the general direction and enforcement of development of championship and powerlifting sport in order to present the comprehensive plan of the country. Since legitimate sport crimes do not fundamentally disturb the security, these crimes, therefore, have a special place in the Islamic Sharia. It seems that non-criminal methods, in order to preserve the dignity of athletes in the sport fields, are more effective in making criminal policy, In this article, an attempt has been made to fully discuss the responsibilities, crimes and sport violations of powerlifting in the form of jurisprudential criminal policy. I consider myself bound by my 25- year sport experience which includes numerous national championships and the 2017 world championships in Russia, and as a lawyer and athlete representative and the only international sport legal representative, I have given an international speech with participation of members of the CAS court, to provide science and knowledge of sport and law to the aspirants.

Key words: Preventive jurisprudential criminal policy, Sport, Crime, Prevention

^۱ . PhD student, criminal law and criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

^۲ . Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran (Responsible Author) fateme_ahadi@iau_maragheh.ac.ir

^۳ . Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh,

سیاست جنایی فقهی پیشگیرانه در قبال جرایم و تخلفات ورزشی پاورلیفتینگ

آرش غلامرضایی راد فاطمه احدی جمال بیگی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۰

چکیده

امروزه ورزش ذاتی بین المللی با سایه های ملی و فرهنگی کشورهاست. هرچند ورزش در عصر جدید همچون اقتصاد، نبض تپنده و قدرت مطلق یک جامعه محسوب نمی شود، اما می توان گفت هر جامعه ای با تکیه بر پایه های ورزش سالم و قدرتمند می تواند، مطرح و با ثبات بماند و در عرصه جهانی شناخته شده قلمداد گردد. اما در کشور های اسلامی چون ایران عملیات ورزشی نباید مغایر با موازین شرعی باشد و قواعد شریعت اسلامی در مقرارت ورزش و رقابت های ورزشی نباید مستلزم ایذاء نفس یا ایذاء غیر باشد، تدابیر سیاست جنایی فقهی نقشش، حفظ حقوق ورزش در راستای منویات قانون اساسی و اجرای فقه اسلامی برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جهت عمومی و عملی کردن توسعه قهرمانی و ورزش پاورلیفتینگ در ارائه طرح جامع ورزش کشور می باشد. از آنجائی که جرایم ورزشی مشروع، اساساً مخل امنیت و آسایش جامعه نسبت در شریعت اسلامی جایگاه تعریف شده ای دارد به نظر می رسد روش های غیرکیفری به منظور حفظ شأن ورزشکاران در میادین ورزش در ساخت سیاست جنایی، اثر بخشی بیشتری دارد. در این مقاله سعی گردیده به طور کامل مسئولیت ها و جرایم و تخلفات ورزش پاورلیفتینگ در قالب سیاست جنایی فقهی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

کلید واژه ها: سیاست جنایی فقهی، ورزش، جرم، پیشگیری

مقدمه

در حال حاضر ورزش به عنوان یک اهرم قدرت در هر جامعه محسوب می شود. به گونه ای که در اجتماعی با تکیه بر پایه یک ورزش و رژیم قدرتمند می تواند از لحاظ سیاسی مطرح و باثبات بماند. در هر کشوری برای اعمال قوانین کیفری و لزوماً فقهی، پیشگیری از جرایم ورزشی و بزهکاری و نیز اصلاح و درمان و موضوعات مشابه رویه های متفاوتی وجود دارد که مخصوص آن کشور بوده و معمولاً اراده جمعی آن کشور را تشکیل می دهد و هدف از سیاست جنایی فقهی پیشگیرانه در حوزه ورزش مبارزه با فساد جرایم تسهیل یابند. بدون شک برقراری حفظ نظم و انسجام در نظام ورزش نیازمند یک سیاست پویای فقهی است. از آنجایی که زندگی اجتماعی انسان با پدیده های اجتماعی نمود می کند، در حقیقت این پدیده های اجتماعی واقعیت هایی هستند که جزء ذاتی زندگی اجتماعی بشر می باشند که حیات جنایی در مفهوم مضیق خود مشتمل بر روش های سرکوب جرم در قبال پدیده های مجرمانه و در مفهوم موسع نافذ بر اتخاذ تدبیر قانونی، قضایی، اجرایی که علاوه بر سرکوب و واکنش کیفری مولفه هایی چون علت یابی، سازماندهی، تجزیه و تحلیل واقع گرایانه بزهکاری است. بنابراین عرصه ورزش پاورلیفتینگ همچون عرصه ها با خطرات و پیدایشهایی روبه رو می شود که قطعاً مسئولیت های کیفری، فقهی و مدنی را برای ورزشکاران به همراه دارد. از نظر سیاست جنایی تقنین علی رغم تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ که متضمن چکیده های قواعد فقهی و شرعی در آن هستیم رویکرد جدیدی در این زمینه نمی باشیم و تخصیص یک بند به جرایم ورزشی در بند ۵ ماده ۱۸۵ قانون مجازات اسلامی از سال ۱۳۵۲ تا کنون هیچ تحولی صورت نگرفته است. در واقع هیچگونه سیاست جنایی افتراقی اتخاذ نشده است و از نظر سیاست قضایی نیز همانند تقنینی، تدابیر و رویه خاصی در برخورد با بزهکاران ورزشی پیش بینی نگردید. به عبارتی این دسته از مرتکبین به جرایم ورزشی در دستگاه قضایی از امکانات و موقعیت های مناسب از مرحله اتمام، تعقیب، تحقیق تا رسیدگی صدور حکم و سپری کردن در دوران محکومیت برخوردار نیستند و از نظر سیاست جنایی اجرایی علی رغم پیش بینی خاص در سیاست جنایی تقنینی و قضایی در حوزه سیاست جنایی اجرایی شاهد اقداماتی هستیم که می تواند به پیشگیری افراد متخلف از جرایم ورزشی کمک شایانی کند. مثل سازمان ها و نهادهای ورزشی در سطح داخلی، همچون وزارت ورزش، فدراسیون های ورزشی، هیات های ورزشی و ...

آیا سیاست جنایی ورزش پاورلیفتینگ در بعد پیشگیری، صرفاً باید به جنبه های فقهی توجه کند؟ آیا می توان به مولفه های علت یابی، سازماندهی، تجزیه و تحلیل بدهای فقهی واقع گرایانه مراجعه کرد؟ آیا رسانه های ورزشی در پیگیری و سرکوبی جرایم ورزشی به صورت دوگانه، باعث افزایش و کاهش جرم می شوند؟

پیشینه تحقیقات

از تحقیقات به عمل آمده نسبت به پیشینه موضوع به صورت کتابخانه ای به عمل آمده و علی رغم بررسی و تحقیق مبنی بر اینکه در خصوص هدف پژوهش سابقه و کیفی خاص وجود دارد یا نه؟ مقال یا کتاب یا پایان نامه تحقیقی به موضوع نزدیک باشد در دست نیست. اما تلاش شده تا موضوعاتی که از لحاظ کمیت و کیفیت نسبت به موضوع باشد بررسی و به صورت ماهیتی عنوان شود. فی المثل در کتاب های فقهی چون شرح لمعه شهید اول و شهید ثانی، شرایع الاسلام و مبانی کلمه

غلامرضایی راد و همکاران
المنهاج مباحثی که به طور مستقیم یا شفاف به مرور پرداخته باشد، یافت نشده است. اما می توان به طور اختصار به مباحث زیر اشاره کرد:

۱- البرز چلبی (۱۳۹۰) در کتاب «حقوق ورزشی» می نویسد، قانون اساسی هر سرزمین و کشور اساسی ترین و محکم ترین سندی است که برای یک ملت و یک کشور و یک حکومت تنظیم و تدوین شده و مجموعه و قواعد و قوانین است که معمولاً در آغاز تشکیل ملت ها و دولت ها توسط نخبگان، فرزندانگان، کارشناسان، محققان و متخصصان حقوق اجتماعی و سیاسی ملی و دینی یک ملت تهیه و تنظیم می شود. در این قانون قوای مختلف مملکت مانند قوه مجریه و قوه مقننه و قوه قضائیه از نظر خواه و اصول کارشناسی و اجرای قوانین مورد بررسی و توجه قرار داده می شود.

۲- علیرضا عبدی و دکتر جمال بیگی (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی جرم شناختی جرایم ورزشی در ایران» اشاره شده است. هدف از تحقیق حاضر بررسی جرم شناختی جرایم ورزشی در ایران می باشد. جامعه به طور کلی به دو صورت پیشگیری و سرکوبی از خود در برابر بزهکاری واکنش نشان می دهد. پیشگیری غیر کیفری در صدد آن است که با شناسایی و سپس حذف و خنثی سازی عوامل و موقعیت بزه دیده را از ورود به وادی بزه دیدگی جلوگیری کند در حالی که پیشگیری کیفری برای ایجاد بینش حمایتی در بخش های مختلف نظام عدالت کیفری در جهت پیشگیری از تکرار این پدیده ها تاکید دارد.

۳- شایان کریمی خانقاه (۱۳۹۸) در مقاله «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و حقیقی در راستای فعالیت ورزشی» مکتوب می دارد. دولت و مراجع دولتی بخش های خصوصی نیز متصدی فعالیت ورزشی می باشند که به زودی و با تصویب لایحه سازمان نظام تخصصی ورزشی کشور، نقش تصدی گرایانه دولت در این زمینه کاهش پیدا خواهد کرد در صورت انتساب جرم به اشخاص ورزشی که در حوزه ورزش فعالیت دارند و در صورت تحقق همه آرمان جرم می توان آن را نسبت به جرم ارتكابی دارای مسئولیت کیفری دانست. هر زمان بحث از مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی می شود، باید از یک طرف اشخاص حقوقی عمومی و حقوقی خصوصی از طرف دیگر بین اعمال حاکمیت و تصدی تمایز قائل شد چرا که موجب ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، مجازات های ماده ۲۰ در مورد اشخاص حقوقی عمومی دولتی یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت اعمال نمی شود.

۴- نادر شکری (۱۳۹۱) در کتاب «بررسی نظم حاکم بر حقوق ورزشی» ورزش را به عنوان یک نهاد با خصوصیات بین المللی توسعه و یکی از ضروریات زندگی و یک پدیده اجتماعی پیچیده محسوب می داند و ورزشکاران عموماً با انگیزه های منتخب به سوی ورزش می آورند تا جایی که در بند ۳ از اصل قانون اساسی مقرر می دارد: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را برای امور به کاربرد ۱ ... ۲ ... ۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه سطوح بدین ترتیب قانون اساسی را مکلف نموده است تا همه امکانات خود را برای تربیت بدنی رایگان به کار گیرد.

۵- میرمحمدکاشف و مهدی شیدایی (۱۳۹۱) در کتاب «حقوق و اخلاق ورزشی» می نویسد: فلسفه حقوق به گفت و گوی درباره مبانی حقوق الزامی و ضروری بودن قوانین حقوقی و در نهایت به تمایز قوانین حقوقی اخلاقی و مذهبی می پردازد. افلاطون و ارسطو از قدمای فلسفه بودند و در زمینه های علوم مختلف نظریه های مهم فلسفی بیان داشته اند.

۶- کیوان شعبانی مقدم (۱۳۹۱) در کتاب «حقوق ورزش» می نویسد: امروز زنان و مردان ورزشکار به حقوق توجه زیادی داشتند و انتظارات آن‌ها از حقوق نسبت به بیست سال قبل متفاوت است و قانون بر همه جنبه های ورزش، سازمان ورزشی، ورزشکاران، دست اندرکاران و تماشاچیان تأثیرگذار است. توسعه قانونگذار در حوزه هایی مانند حامیگری، حق پخش، بیمه ورزشی حفاظت کودک، حریم خصوصی و تبعیض با همراهی قوانین مدنی و کیفری حتی بهترین شیوه های اداره سازمان ورزش را نیز به چالش می کشد.

۷- ابوالفضل فراهانی (۱۳۹۱) در کتاب «تخصصی تربیت بدنی و علوم حقوق ورزش» می نویسد: آسیب دیدگی ورزشکاران رویه های ورزشی امری اجتناب ناپذیر است، برخی از این حوادث ایجاد آسیب دیدگی ورزشکاران یا تماشاچیان یا نقص عضو و حتی در برخی از موارد فوت می شود. هر حادثه ای علتی دارد و علت مزبور می تواند مبنای ایجاد تقصیر باشد. در بسیاری از موارد فوت می شود. هر حادثه ای کوتاهی مربیان و معلمان یا مدیران ورزشی در انجام وظیفه است که از نظر حقوق ورزشی می تواند مسئولیت زیادی برای آن‌ها ایجاد کند. مربیان ورزشی تعلیم و تمرین دادن ورزشکاران را به عهده دارند و به حسب وظیفه به گونه هایی از مسئولیت حقوقی در حیطه ورزش روبرو هستند.

۸- آرش غلامرضایی (۱۳۹۹) در کتاب «حقوق ورزشی» می نویسد: در یک تعریف کلی می توان گفت حقوق ورزشی عبارت است از حقوقی به شرح وظایف تمامی افراد دخیل در امر ورزش و بررسی آن اعم از آئین نامه های داخلی و قوانین عادی پرداخته و ضمانت اجرای آن را معین و مشخص می کند و یا حقوق ورزشی شعبه ای از حقوق خصوصی است که بر روابط ورزش و مسئولیت و حوادث ناشی از آن که فی مابین ارگان، اردوهای ورزشی، باشگاه ها، ورزشکاران، مربیان، داوران و مسئولان باشگاهی ایجاد می گردد و حکومت می کند.

۹- ویدا عیسی پور (۱۳۹۲) در پایان نامه ارشد «سیاست جنایی تقنینی در خصوص جرایم و تخلفات ورزشی بانوان» می نویسد: مبنای سیاستگذاری در ورزش، موضوعی جدا از کلیت سیاست های یک نظام نیست. آنچه شالوده و اساس نظام یک حاکمیت است در کلیه پدیده های اجتماعی فرهنگی تأثیر می گذارد. انگیزه های قانونگذار از توجه به ورزش بانوان در وهله اول به خاطر نگاه ارزشمند مکتب اسلام به بانوان و چگونگی پرورش جسمی و روحی آنان است.

۱۰- منشور حیدری (۱۳۹۵) در مقاله «حقوق ورزشی در اسلام» می نویسد: آیات و روایات متعددی در اسلام درباره ورزش و وجوب آن وجود دارد نمایانگر دیدگاه ورزش شریعت در خصوص مورد است. به موازات این منابع، فقها درباره مسئولیت های حقوقی ناشی از حوادث ورزشی نظارت پرمحتوی و مستحکمی را در مبسوط، محمدبن ادریس حلی در سرائر، محقق حلی در شرایع الاسلام، علامه حلی در قواعد الاحکام، فاضل هندی در کشف الشام و شیخ محمدحسن نجفی در جواهرالکلام هستند. البته با توجه به محدودیت های رشته های ورزشی در گذشته که منحصر به تیراندازی، شنا، اسب دوانی بود، فتاوی نیز از نظر کمی محدود است اما به لحاظ کیفی قابل استناد در اغلب رشته های ورزشی است و اینجانب خود را مقید دانسته تجربیات ۵۲ ساله ورزشی خود که شامل قهرمان های متعدد کشوری و قهرمانی های جهانی ۷۱۰۲ در کشور روسیه و به عنوان نماینده حقوقدان و ورزشکار و تنها نماینده حقوقی و ورزشی بین المللی با مشارکت اعضای دادگاه CAS سخنرانی بین المللی داشته باشم، در اختیار مشتاقان علم و معرفت ورزش و حقوق قرار دهم.

مفاهیم و متغیرهای تحقیق

سیاست جنایی اسلام

استاد دلماس مارتی صاحب نظر نامدار جنایی در کتاب نظام های بزرگ سیاست جنایی با الهام از مدل های رایج در زبان شناسی مدرن، گونه های موجود سیاست جنایی را تقسیم بندی کرده و به لحاظ روش شناسی فصل جدیدی را در مطالعات مربوط به سیاست جنایی گشوده است. بی گمان، ابداع این شیوه به سیاست جنایی و دیگر علوم جنایی وابسته به آن غنای ویژه ای خواهد بخشید. در این اثر ارزش شمند، انواع سیاست جنایی با رویکردهای مختلفی که نسبت به سه ارزش آزادی، برابری و قدرت وجود دارد، تقسیم شده است. مدل های اصلی سیاست جنایی عبارتند از مدل دولت جامعه ای لیبرال، مدل دولت اقتدارگر، مدل دولت اقتدارگرای فراگیر و مدل های جامعوی که خود این دسته دربرگیرنده مدل جامعه خودگردان و مدل آثار شیسم است در مواردی متعدد این اندیشه سیاست جنایی اسلام را نوع اقتدارگری فراگیر (توتالیتیر) دانسته است (تازه ای علوم جنایی کتاب اول، ۱۳۹۲، ۱۱۷۷). یعنی در این روش سرکوب گری تاکید می شود و مفهوم جرم با بکارگیری روش های حقوقی گوناگون از جمله قیاس در امور کیفری و بی توجهی به اصل قانون بوده جرم مجازات حذف فرض بی گناهی، استفاده از شکنجه برای گرفتن اقرار و حتی اعدام های بی محاکمه گسترش می یابد. در این مدل، نهادهای قانونگذاری به شیوه های سیاسی، حقوقی و قضایی تضعیف شده و نوعی برتری تام بر قوه مجریه وجود دارد. ولی آموزه های اسلامی مرتبط با طرح ریزی یک مدل سیاست جنایی را به گوشه ای دیگر نیز می توان فهم و تفسیر کرد. مدل دولت اسلامی به مدلی که بر رهبری فره مند و فرا قانونی مبتنی باشد، منحصر نیست. تفسیرهای گوناگونی از نظریه دولت اسلام وجود دارد که برخی از آن ها به مدل لیبرال نزدیک تر است تا به مدل توتالیتیر. در متون دینی بر برخی از لوازم این اصل مانند استقلال دادرسی و نهادهای قضایی تاکید شده است که با این وجود تاکید آموزه های اسلامی بر ترویج فضیلت و گسترش اخلاق مسئولیت، جرم و گناه یکسان نیست. امر به معروف و نهی از منکر به معنای تجویز فشار و تحمل یکسان زندگی کردن بر شهروندان نیست. چون آموزه های اسلامی نه تنها مولفه ها و رکن های یک مدل اقتدارگرای فراگیر را تأیید نمی کنند، کلیه آن ها را نهی نیز می کنند. قرار دادن مدل سیاست جنایی اسلام جزء مدل دولت اقتدارگرای فراگیر فاقد دلایل علمی است.

پاورلیفتینگ

پاورلیفتینگ از ورزشی به نام Odd Lifts اقتباس شده است که آن هم شامل سه نوبت برای ثبت بهترین وزنه ها بوده است. پاورلیفتینگ یا وزنه برداری قدرتی یک ورزش قدرتی است که شباهت هایی با ورزش وزنه برداری دارد. هر دو شامل بلندکردن وزنه در سه تلاش هستند. اولین پاورلیفتینگ به طور غیر رسمی در سال ۱۹۵۰ میلادی در امریکا و انگلستان شروع به کار کرده که البته شامل جلو بازو با هالتر، پرس سینه و اسکوات بوده که بعد از سال ۱۹۷۳ فدراسیون بین المللی پاورلیفتینگ تا سیس و تعداد زیادی از کشورها به عضویت این فدراسیون درآمدند. اولین مسابقه جهانی در سال ۱۹۷۱ در امریکا برگزار شد. در ایران در سال ۱۳۷۵ زیر نظر فدراسیون وزنه برداری شروع به فعالیت نمود و در سال ۱۳۷۵ با تشکیل مسابقات کوری در شهرستان اراک با حمایت و شناسایی فدراسیون وزنه برداری تنظیم مسابقات می نمود تا سال ۱۳۸۳ با تصویب سازمان تربیت بدنی از وزنه برداری جدا و یک فدراسیون مستقل به نام فدراسیون پرورش اندام و پاورلیفتینگ تشکیل شده که هم اکنون نیز ادامه دارد.

پاورلیفتینگ که ورزش کاملاً قدرتی است که از سه حرکت اسکوات، دد لیفت، پرس سینه تشکیل شده است. پاورلیفتینگ می تواند با تجهیزات و بدون تجهیزات باشد که با سبک بدون تجهیزات، یعنی بدون لوازم به نام کلاسیک (Classic) شناخته می شود. و سبک با تجهیزات (equipped) که شامل سوت اسکوات، سوت پرس سینه و زانوبند می شود که هرکدام از این حرکت ها در سه نوبت همانند وزنه برداری مسابقه داده می شود که انواع خطاهای ورزشی نیز در آن برآورد می شود. مهم ترین مسابقات جهانی این رشته در کشورهای امریکا، روسیه، آفریقای جنوبی و کانادا برگزار می گردد. مسابقات پرس سینه که از حرکات پاورلیفتینگ می باشد در سال ۱۹۸۴ به طور خصوصی و به عنوان یک رشته از پاورلیفتینگ در این ورزش گنجانده شده است که متأسفانه این ورزش در رشته های المپیک شناخته شده نیست. با توجه به اینکه رده بندی سنی به نظر هر فدراسیون به صورت مختلف برگزار می شود، اما به طور عمده بدین گونه است:

نوجوانان: ۱۵ تا ۱۸ سال

جوانان: ۱۸ تا ۲۳ سال

بزرگسالان: هر سنی می تواند در آن شرکت کند حتی مسترها

پیشکسوتان: از ۴۰ سال به بالا کخ به مستر ۱، مستر ۲، مستر ۳، مستر ۴، تشکیل می شود.

قاعده نفی ضرر

قاعده لا ضرر از جمله قواعد مورد پذیرش فریقین است فقه های شیعه و سنی در بسیاری از ابواب فقهی به آن استناد جسته آمد (فاضل لنکرانی، ۵۲۴۱، ص ۰۱)، (مکارم شیرازی، ۷۲۴۱، ص ۱-۳۲) بزرگان فقه قاعده لا ضرر را در ضمن قواعد عام فقهی آورده آمد پدر توصیف آن فرموده آمد. در حقیقت شارع با قاعده لا ضرر اعلام می دارد که حکمی که موجب ضرر است در شریعت ودین وضع نگردیده خواه حکم وضعی باشد یا تکلیفی (مشکینی، ۶۱۴۱، ص ۳۰۲). بنابراین باید گفت تمام ورزش ها علی الخصوص پاورلیفتینگ ممکن است با صدمات بدنی و جمعی همراه باشد، در حالیکه در نفس ورزش مصلحت های بالاتری وجود دارد که در مواردی باید احتمال ضرر را با توجه به مصلحت های آن قبول واز آن صرف نظر کرد چون نوعی «تحدیر» و «قاعده اقدام» است واز هشداردهنده ورزش محذر زمانی رفع مسولیت وبری الذمه می شود که هشدار گیرنده ورزشی محذر با و صف علم و آگاهی، خویشتن را در معرض خطر و اسیل قرار دهد (وحیدی صدر، ۹۹۳۱، ص ۵۰۱) این موضوع در بند «ث» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی تحت عنوان حوادث ناشی از عملیات ورزشی قانونمند شده است یعنی شروطی برای عدم ضمان تا شروط در ذمه بودن ضمان اشخاص موثر واقع شود یعنی اینکه حادثه و اسیب دیدگی در فعالیت ورزشی پاورلیفتینگ با چهار شرط جرم نخواهد بود، اسیب دیدگی در ورزش رخ دهد، اسیب از ناحیه ورزشکاری بر ورزشکار دیگر ایراد شده باشد اسیب و صدمه در اثر انجام فعالیت ورزشی باشد و اصل آن ورزش و قوانین از نظر شرع مجاز و مورد قبول باشد. یکی از دلایلی که می توان برای اثبات وظیفه مندی حاکمیت دینی در قبال ورزشی از آن بهره برد قاعده لازم میان حکم عقل و حکم شرع است به اعتقاد دست اندر کاران تربیت بدنی و بسیاری از روان شناسان و جامعه شناسان تربیت بدنی ورزش تنها یک وسیله تفریح نیست بلکه به عنوان ابزار آموزشی و تربیتی آثار روانی اجتماعی فراوانی را

به دنبال دارد که این اهداف در توان اجتماعی و شکل پذیری شخصیت افراد نقش بسزایی دارد مثلاً در بعد جسمانی می توان به آثاری چون کاهش ضربان قلب در حال استراحت، آمادگی قلبی عروقی، کاهش وزن، کاهش چربی و فشار خون، و در بعد روانی به فوایدی چون کاهش اضطراب، استرس، افسردگی و پرخاشگری، افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس و افزایش شادابی و طراوت اشاره کرد. بنابراین مقاومتش در برابر امراض گوناگون بیشتر می شود و بدین ترتیب شخص ورزشکار کمتر بیمار میشود پدر صورت بیمار شدن زودتر بهبود می یابد. باین همه در مسائل مستحدثه مقوله ورزش حکم و تنصیص مستقیمی در کتاب پست نمی توان یافت فقط میتوان از قواعد عام فقهی برای احکام حکومتی بهر جست قواعد فقهی عبارتند از دستوره‌های کلی فقهی که در گوناگون راه دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱، ص ۷۱-۱).

جرم و تخلف ورزش

قانونگذار ورزش را به دلیل موضوعیتی که دارد مورد حمایت قرار داده است اما افتراق به عنوان مباحث ورزش خصوصاً جرایم ورزش، این شائبه را ایجاد می کند که آیا قانونگذار نسبت به جرایم ورزشی مقرراتی در نظر گرفته است؟ یا اینکه باید عمومیت قانون را در نظر گرفت؟ مثل ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ «هر فردی بدون مجوز قانون به طور عمد یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامت یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده است، لطمه وارد آورد که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول خسارت ناشی از عمل خود است». آنچه مسلم است جرایم حادث شده در امور ورزش نسبت به حوادث دیگر نه از لحاظ ماهیتی صرف، بلکه از جنبه شکلی گاهی حتی ماهیتی کاملاً متفاوت است. تا قبل از ۱۳۵۲ هیچ پیامی در خصوص جرایم ورزشی وجود نداشت. اربابان حرفه حقوق هر مجازاتی مصداقی را در مورد تخلفات ورزشی در نظر می گرفتند و تمایزی فی مابین جرایم به وجود آمده قائل نبودند اما از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۹۲ قانونگذار به طور اختصاصی نه اختصاص نیم نگاهی به جرایم ورزشی داشته و در بند ۱۵۸ ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن مقرراتی را وضع کرده است. مصداقی که در این ماده قانون به کار گرفته شده است، مواردی است عمومی که نباید مغایر یا شرع باشد که منظور از شرع یعنی اعم از قانون، مفهوم شرع در ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی اعم از قانون است چه اصلاً اعتبار قوانین موکول به عدم مغایرت آن ها با شرع باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۲، ص ۹۵) متأسفانه قانون مقررات حاکم بر آن مسابقه یا عملیات، مخالف موازین شرعی نباشد را اعلام کرده اما قانون مجازات اسلامی تعریف یا مصداقی موازین شرعی را مشخص کرده است (صالح ولیدی، ۱۳۹۲، ص ۹۳) بنابراین قاضی دادگاه خروجی ندارد مگر اینکه نوع عملیات و مسابقات ورزشی را بشناسد و حکم صادر کند که این امر با توجه به عدم افتراق بودن قوانین کیفری و قوانین ورزشی به سادگی میسر نمی باشد. با توجه به شرایط در نظر گرفته شد می توان تعریف جرم و تخلف ورزش را از آئین نامه انضباطی مصوب ۱۳۷۴ سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی که در چهارچوب ماده ۲ قانون مجازات اسلامی تبیین شده است، باید گفت «انجام دادن یا ترک فعلی که از سوی اشخاص ورزشی بر خلاف موازین قانونی و شرعی و مقررات ورزشی به منظور برهم زدن نظم و نظامات بر آن افعال مجاز است تعیین گردیده است»، محکوم کرد.

جلوه های سیاست جنایی تقنینی ایران در برابر جرایم ورزشی

۱) عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن.

۲) حوادث ورزشی سبب نقض مقررات ورزشی شود.

۳) مقررات مغایر با موازین شرعی باشد.

۴) عدم مسئولیت عملیات ورزشی

۵) تخلف ورزشی شخصی

۶) تقصیر ورزشی فنی

۱- عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن

اعمال جمع عمل در فرهنگ معین به معنی کارها، کرده هاف شغل و پیشه شده است و عملیات یک مفهوم کلی را دربر می گیرد یعنی عملیات ورزشی برای ورزشکاران شامل آن اعمال و کارهایی که صرف ورزش نامیده می شود و ورزشکار برای رسیدن به آن سخت می کوشند و در مقایسه با هم‌اورد و رقیب خود باید آن اعمال و کردار ورزشی را رعایت کند و از طرفی هم عملیات ورزشی برای یک مربی یا داور با مسئولین برگزار کننده و غیر آن شغل و پیشه ای است که صرفاً باید به عنوان عملیات ورزشی مراعات شود، چون عملیات ورزشی یک معنی کاملاً ورزشی است نه حقوقی برای ورزشکار آن حرکات خاص بدنی. تقویت جسم و تعادل دل و روح و نهایتاً حس برتر جویی نسبت به رقیب می باشد و برای یک داور یا مربی آن شغل و پیشه ورزش است که هدف نهایی آن ها تعلیم و قضاوت وجود آورنده امکانات ورزشی در حین کسب در آمد و منفعت و اعتبار ورزش است اما حادثه به معنی اتفاق، آنچه که پدید می آید یعنی آن اتفاق یا اتفاقات ناگواری که در خلال جریانات ورزشی پدید می آید و گاهاً عواقب دردناکی چون زخم، جرح، شکستگی، قطع عضو - فلجی و برخی موارد هم متأسفانه فوتی به همراه دارد مقنن با وضع این مقررات حامل پیامی است برای ورزشکار و غیر ورزشکار که در حیطه آن عملیات مشارکت دارند تا این اشخاص نسبت به موقعیت حاضر در خود آگاهی داشته باشند.

۲- حوادث ورزشی سبب نقض مقررات ورزش می شود

اولین عملیاتی که به یک ورزش رسمیت می بخشد و آن را داخل در اعتبارات ورزش قلمداد می کند قانون آن ورزش می باشد. قانون هر ورزش اعتبار و قدرت آن ورزش محسوب می شود حتی ورزشهایی مثل کشتی کج به علت خشونت غیرقابل تحمل در خیلی از کشورها به عنوان یک ورزش به رسمیت شناخته نشده است، هم از یک قانون پیروی می کند از تم یا آهنگ ورود افراد به رینگ مسابقه، تا حضور داور با شروع و پایان آن قانونمند اند. علت اصلی وضع قوانین خاصی در هر ورزش اول محدود کردن بعضی از حرکات و اعمالی که با شئون ورزشی مغایرت دارد می باشد. اعم کاستن جرایم و خطرات احتمالی که ممکن است بوقوع به پیوندد جلوگیری به عمل آید. مثلاً وقتی یک ورزشکار کشتی وارد مسابقه می شود، اصل بر این است که از مقررات و آیین نامه مربوط به آن ورزش اطلاعات کامل را دارا است حال اگر همین کشتی گیر در حین سرشاخ شدن با

رقیب از دست های خود بجای استفاده از فنون کشتی مشت به سر و صورت و بدن حریف وارد کند یقیناً متخلف محسوب و در صورتی که بروز حادثه ای هم شده باشد، مسئول می باشد، چونکه قانون ورزش کشتی را رعایت نکرده و از قانون ورزش های رزمی در ورزش خاص کشتی پیروی کرده است و این مورد قبول قانون کشتی نمی باشد. این ظرافت تا آنجایی اهمیت دارد که قرار گیری یک کشتی گیر فرنگی کار در هنگام کشتی با رقیب خود از فنون کشتی آزاد استفاده می کند و حتی بدون قصد هم باشد و مسبب صدماتی گردد، مسئول شناخته می شود، چون اصل بر اطلاع قانون است و حمل آن رافع مسئولیت نمی باشد.

حال اگر در یک مسابقه بوکس که تقریباً نوعی از خشونت در آن متصور است، مسابقه دهندگان ضرباتی هولناک به همدیگر رد و بدل نمایند، هر چند این ضربات حاوی قصد و کینه هم باشد، قانون آن مسابقه تلقی می شود؛ نه تنها از دیدگاه عموم قبیح نمی باشد، حتی مورد تشویق هم قرار می گیرد، مگر اینکه ضربه ای خارج از چهارچوب مقررات مثلاً بعد از اینکه زنگ مسابقه جهت استراحت نواخته شد، ضربه ای رد و بدل شود که مشمول مجازات قرار خواهند گرفت.

۳- مقررات مغایر با موازین شرعی باشد

در تبیین بین نظام های لائیک مذهبی (در واقع تفاوت قوانین کیفری این کشورهای روشن می سازد) و نظام ایران نظام شرعی نیست بلکه نظامی قانونی منطبق با شرع است، از این انطباق همه قوانین با شرع ضرورتی ندارد، بلکه صرفاً موارد مغایر با شرع باید کنار گذاشته شود، چون در دین اسلام اصل بر اباحه است، مگر آن که دلیلی برخلاف آن رسیده باشد. به عبارت ما مصالح و مفاسد شارع را به طور کامل نمی دانیم و همین قدر که در قانون از عبارات و مفاهیمی استفاده شود که عدم مغایرت شرعی را برساند، به تکلیف عمل کرده ایم همان به قدر متقین باید اکتفا کرد (کوشا، ۱۳۹۲، ص ۶۳۸). بنابراین اینکه کدام یک از ورزش ها مجاز است و کدام یک غیر مجاز، باید مغایرت آن را با شرع مقایسه کنیم. به طور کلی ورزشهایی که باعث ایذاء نفس یا ایذاء رقیب می باشد، غیر مجاز و ورزش هایی به طور کلی باعث سودمندی است، مجاز شناخته می شود. هر چند امروز به دلیل پیشرفتی که در سبک و نمایش برخی از بازی ها و ورزش ها به وجود آمده یا در حال پیشرفت است کمتر ورزشی را می توان یافت که باعث ایذاء نفس خود یا غیر باشد. مثل شمشیر بازی که در گذشته به صورت سنتی و برنده بودن آن باعث آسیب و صدمه می شده، اما امروز با داشتن کلاه و جلیقه و وسایل ایمنی حتی کمترین خطر را احتمال نمی دهد و بخاطر شرایط ویژه آن جزء ورزش های المپیکی محسوب می شود.

۴- عدم مسئولیت عملیات ورزشی

با توجه به حذف عبارت «جرم محسوب نمی شود» در قانون مصوب ۱۳۷۰ به جای آن «قابل مجازات نیست» در قانون فعلی، شاید این ابهام را ایجاد کند که چرا قانون سابق که صراحت در عمل موجهه جرم داشته اینک با شک و تردیدی روبه رو است. آیا در صورت بروز حوادث ورزشی در چارچوب قانون، خاطی صرفاً رافع مسئولیت کیفری در خصوص خسارات وارده همچنان مسئول شناخته می شود؟ به نظر می رسد «مجازات نمی شود» یک عبارت عام است، هم شامل مجازات است و هم شامل خسارت وارده یعنی همه علل موجهه جرم، اولاً با نگاهی گذرا به ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی که همین شرایط نیز استوار است در تبصره ۳ ماده ۱۵۶ سقوط دیه را در دفاع مشروع با توجه به دوماهیتی بودن دیه به عنوان مجازات و خسارات پذیرفته است و صدمات ورزشی که در مقیاس قانون اتفاق بیافتد و مغایرتی با شرع هم نداشته باشد، در واقع نوعی شروع

بودن آن است و چون شروع می باشد، لذا خسارت آن منتفی و در صورت لزوم از بیت المال تأدیه خواهد شد (ردبیلی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۸). ثانیاً ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۷ اردیبهشت سال ۱۳۳۹ نیز در صورت دفاع مشروع هر گونه پرداخت خسارت را نسبت به متعددی مسئول غیر موجه می داند. ثالثاً این رفتار طبق قانون جرم محسوب می شود، اما به وجود شرایطی که مقنن برای آن در نظر گرفته به دلیل زوال عنصر قانونی جرم از علل موجهه جرم محسوب می شود. همانند مجنونی که مرتکب جرم می شود و قانونگذار آن عملی که مجنون انجام داده جرم می داند، اما با توجه به شرایط منحصره در فرد مجنون با زوال عنصر قانونی جرم مجرمیت وی ساقط به علل موجه تبدیل می شود و نتیجه اینکه در صورت اجتماع شرایطی قانونی بودن عملیات ورزش مراعات شده باشد و حوادث پیش آمده هم مغایر باشرع نباشد هم مجازات و هم خسارات احتمالی منتفی می باشد.

گاهی توسط ورزشکاران و گاهی توسط داوران، مربیان، مسئولین ورزشی و غیره به صورت سهوی و یا عمدی به وجود می آید که این اتفاقات می تواند به دو دسته تقصیر یا تخلف ورزشی تقسیم بندی شود: ۱- تخلفات ورزشی شخصی ۲- فنی

۵- تخلفات ورزشی شخصی

طبق تعریف آئین نامه انضباطی عبارتست از اعمالی که قائم به افعال شخصی بوده و در نتیجه نقض مقررات ورزشی به صورت عمدی و به قصد احراز صورت می پذیرد و دارای مجازات خاص بوده و در کمیته های انضباطی و محاکم بر آن مجازات تعیین شده است. مثلاً استفاده کردن از مواد نیروزا و تحرک و به دست آوردن قدرت و توان فیزیکی.

۶- تقصیرات ورزشی فنی

عبارت است از اعمالی که در حین عملیات ورزشی ناشی از خطا و نقض مقررات آن ورزش و یا تعدی و تفریط اشخاص در حین عملیات ورزشی صورت می پذیرد و چنانچه تعمیرات فنی نقض مقررات قانونی نباشد، قابل مجازات نیست. مثلاً در حرکت ددلیفت در ورزش پاورلیفتنگ در حین مسابقه زمانی که ورزشکار لیفت را انجام می دهد، برگرداندن لیفت به جای خود حتماً باید به فرمان داور صورت پذیرد. اگر ورزشکاری پس از دستور داور مسابقه با خشم وزنه را به طرف زمین فرود آورد اما دست های وی همچنان از میله جدا نشود، هر چند کاری شایسته نمی باشد، لازمه اثر این است که به صورت آهسته انجام دهد. اما در این صورت، نقض فنی محسوب نبوده و لیفت انجام شده مورد قبول است. اما هر چند سنگین ترین لیفت را انجام داده باشد، بعد از فرمان داور وزنه را جهت پایین آورد، ول کند، نقض فنی و لیفت انجام شده مردود اعلام می شود و اگر در این کار سوء نیت نسبت به داور یا فرد خاصی داشته باشد، عمل وی مستوجب مجازات انضباطی خواهد بود. حال با توجه به مراتب فوق اعمال و رفتاری که به موجب ماده ۱۵ آئین نامه انضباطی مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۸ به عنوان تقصیرات و تخلفات ورزشی شمرده می شود، عیناً ذکر می گردد:

۱- رفتار خارج از مباحات اسلامی ۲- نقض قوانین و مقررات و شرایط فنی و ورزشی که ناشی از مقررات و آئین نامه فنی، بی احتیاطی - مسامحه و سهل انگاری می باشد. ۳- تمرد از اجرای دستورات مقام قانونی ۴- اهانت، تهمت، فحاشی، تهدید و تطمیع، نشر اکاذیب، رفتار و تشویق

نامناسب و تظاهر به اعمال غیراخلاقی و هر گونه اعمالی که در حیطه تقصیرات شخصی متصور است. ۵- برخورد نامناسب با افراد تیم های خودی یا رقیب ۶- عدم رعایت مقررات میزبانی در خصوص تیم های مهمان و ایجاد ضرر و زیان به برگزاری یا درگیری ۷- اعتراض به داور و حریف به نحوی که موجب تحریک تماشاگران شود یا اعمالی که ضررهای مادی یا معنوی را که برداشته باشد ۸- دعوی و ایجاد درگیری و نزاع به قصد تشویق اذهان عمومی و ایجاد خسارت. ۹- اعمال انواع دوپینگ ۱۰- تشویق و ارائه طریق برای انجام دوپینگ (معاونت) ۱۱- عدم حضور یا حضور ناشایست و غیر متعهدانه در تمرینات و مسابقات تیم های باشگاهی، منتخب با ملی در صورت دعوت با اراده شخصی و یا به دستور باشگاه مربوطه ۱۲- ارائه اسناد جعلی، جعل عنوان، جعل اسناد و جعل امضاء ۱۳- ایجاد وقفه به منظور ایجاد مزاحمت در برنامه های ورزشی ۱۴- انجام هر امری که با قوانین و مقررات فنی و جاری سازمان تربیت بدنی و فدراسیون مربوطه مغایرت داشته باشد. ۱۵- محکوم شدن به جرایم کیفری مؤثر و قطعی شدن حکم.

چالش های سیاست جنایی فقهی پیشگیرانه نسبت به جرایم و تخلفات ورزشی

در سال های اخیر رشته پاورلیفتینگ از هدف ورزشی برای سلامت جسم و گذران اوقات فراغت خارج شد و به جای اینکه محلی باشد، برای انجام رقت های عاری از خشونت گاه خود دستخوش خشونت و بی نظمی و فساد و درگیری هایی شده است. در این راستا آمارهای موجود در زمینه شیوع این پدیده نابهنجار در ورزش حاکی از آن است که حقوق کیفری برای مقابله با این پدیده با چالش هایی مواجه است که نمی تواند از تمام توان و ابزارهای خود جهت مقابله با خشونت، فساد و درگیری ها در ورزش استفاده کند (جعفری، ۱۳۹۲، ص ۲).

تعریف رفتار فساد آمیز وابسته به قوانین ورزشی و نگرش جامعه است. تا جایی که سیاست جنایی ورزش در روند شکل گیری، تحول و تکامل خود همواره تحت تأثیر اندیشه های بنیادی و یافته های دانش های دیگری همچون فلسفه (تمرکز در ورزش)، جامعه شناسی، جرم شناسی و ... قرار گرفته و در حال حاضر نیز متأثر از همین یافته ها مسیر تکاملی خود را پشت سر می گذارد. با این حال که سیاست جنایی امروزی علی رغم تمام پیشرفت های نظری و عملی که در درون خود تجربه نموده است، با رفتارهای مجرمانه ورزشی با چالش های جدی مواجه می باشد.

یکی از مهم ترین قلمروهای چالش سیاست جنایی، جرایم ورزشی است که امروزه در جرم شناسی تحت عنوان «جرایم ورزشی بدون بزه دیده» شناخته می شوند، مثل اعتیاد به مصرف الکل به مواد مخدر یا مصرف مواد محرک، جرایمی هستند که هیچ بزه دیده معینی ندارد و از اعمالی تشکیل شده اند که به خاطر زیر پا نهادن قواعد اخلاقی، غیرقانونی شناخته شده اند. هرچند به نظر بسیاری دیگر، خصوصاً جرم شناسان بزه دیده شناس، این جرایم بدون بزه دیده محسوب می شوند. صرف نظر از این اختلاف، تردیدی نیست که این دسته از جرایم دارای ماهیت و ویژگی های خاصی هستند که بسیاری جهات آن ها را از جرایم دارای بزه دیده مستقیم، متمایز می کند.

به نظر می رسد که وقت آن رسیده است که از یک سو کارنامه سیاست جنایی نوین در مرحله مختلف فرآیند کیفری و نیز در قلمرو نظارت و کنترل (تامینی - پیشگیرانه) به طور گسترده تر ارزیابی و مشخص شود و از سویی دیگر سیاست ها و امکانات اصلاحی - درمانی بزه کاران در عصر سیاست جنایی نوین مورد مطالعه قرار گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲، ص ۷۵۰)، تا با اطلاع و آگاهی ورزشکاران از وقوع حوادث احتمالی مربوط به ورزش های مورد نظرشان در پیشگیری از بزه کاری مؤثر باشد. اگر سطح اطلاعات ورزشکاران درباره وقایع و حوادث، علل بروز این حوادث، وسایل مبارزه علیه آن و استفاده از

امکانات ایمنی جهت پیشگیری از اینگونه حوادث بالاتر رود، پیشگیری از جرم بهتر تامین خواهد شد. سیاست جنایی توأم با شرکت وسیع جامعه ورزشی، یعنی در نظر گرفتن آثار ضرورت حمایتی، ایجاد اهرم های تقویتی به غیر از قوه قضائیه به منظور اعتبار بخشیدن بیشتر به یک طرح سیاست جنایی است که به وسیله قوه مجریه و مقننه تهیه و تدوین گردد. شرکت دادن فدراسیون های ورزشی و کلیه ورزشکاران در سیاست جنایی، افزون بر رفع نگرانی مشروع در جهت بالابردن کارایی آن، بدین معنی است که امروزه پیشگیری و سرکوبی بزهکاری از جمله اموری اند که به افراد جامعه مربوط می شوند. استفاده از قدرت فدراسیون های ورزشی، هیأت ها، باشگاه ها و رسانه های گروهی در ایجاد توافق و هماهنگی درباره اتخاذ سیاست جنایی مناسب، در این زمینه ضروری است.

به زعم مدل های دولتی سیاست جنایی که کنترل بزهکاری و بزهکاران عمدتاً از حاکمیت - قوای مقننه و اجرائیه - محسوب می شوند، در مدل های سیاست جنایی مرتبط با جامعه، مردم به جهات مختلف، چه سازمان یافته و چه غیر سازمان یافته به واکنش علیه پدیده مجرمانه و ترمیم آثار آن اقدام می کنند (کریستین لازرژ، ۱۳۷۵، ص ۱۷ و ۱۸). در این خصوص نقش ورزشکاران در جلوگیری از جرایم ناشی از حوادث ورزشی و تامین امنیت در کنار سایر ابزارهای رسمی دولت، یکی از جلوه های مشارکت مردم در جامعه است که عالمان حقوق با تفکرات علمی باید راه ورزشکاران را بازگشایی کنند.

هرکس به فراخور برداشت خود از وضع موجود، تو صیفی از خود ارائه می کند و ساختاری را پیش چشمان اهالی حق و حقوق به تصویر می کشد. گاه این تحلیل ها با علم و مفهوم سیاست جنایی است و گاه بدون آن، و این به یک مسئله متداول تبدیل شده که حتی در زبان بزرگان حقوق قضایی، تفاوت میان سیاست جنایی و سیاست کیفری دانسته نشود. جالب آن که برداشت ها و مدل های ارائه شده از سیاست جنایی جمهوری اسلامی در گستره ورزش، گاهاً چنان در تناقض جدی هستند که یکی از فقهی و اسلامی بودن نظام کیفری می زند و ساختار قضایی کشور را منطبق با یافته های فقهی و شرعی توصیف می کند و از سوی دیگر، دیگر زمینه های حقوقی و قانونی را در نظام ایران محور اصلی می داند و سیستم کیفری دستگاه قضایی را دارای ریشه های مدرن با ظاهر اسلامی دارد که هر قدر محتوی اسلامی در آن ریخته شود باز هم همان ضوابط حقوقی بر آن حاکم است. در حالی که جرایم ورزشی به گونه ای تنگاتنگ با فرهنگ و آداب و رسوم و نهادهای کشور مرتبط است. در حقیقت می بایست، نقش قانونگذار کیفری را در برخی از زمینه های معین محدود ساخت. چون در خصوص وقایع و حوادث ورزش، جرم سازی کیفری می تواند بی فایده و حتی مضر باشد. برای اینکه بزه پدیده اجتماعی و فرهنگی است و حذف تحلیل آن نیز به اندازه گستردگی عوامل و علل وقوع آن، ابزارهای کار مناسب را می طلبد و مداخله دولت صرفاً نمی تواند اثربخشی بسیاری داشته باشد (نادر شکری، ۱۳۹۲، ص ۱۶۵).

خارج از اینکه عده ای مقابله با جرایم ورزشی در ایران را نظامی سرکوبگر می خوانند و برای اثبات مدعای خود به طرح های ارتقای امنیت اجتماعی که هر از چند سال با شور و هیجان اجرا می شود، استناد می کنند و از سوی دیگر، برخی مدعی رویکرد اصلاحی و درمانی هستند، تأیید ادعای خود را به سیاست جنایی ایران همراه با رگه های اجتماعی جدید به کاهش حبس اشاره می کنند.

واقعیت آن است که همه این برداشت ها و گمانه پرانی ها، هم زمان هم در اوج صحت اند و هم در قعر بطلان؛ حقیقت آن است که مبانی نظام قضایی ایران هم فقهی است و هم حقوقی، هم سرکوبگر است و هم اصلاحگر، امری است بین بینابین. چون ظاهراً، دستگاه ها می توانند آموزش های لازم را جهت تامین امنیت در ورزش ارائه نمایند و توصیه های خود را به

سیاست جنایی فقهی پیشگیرانه در قبال جرایم و تخلفات ورزشی پاورلیفتینگ
صورت مکتوب در اختیار ورزشکاران بگذارند. در این خصوص نقش رادیو و تلویزیون و مطبوعات حائز اهمیت است. همچنین فدراسیون های ورزشی و کمیته انضباطی مربوطه در برخی از اقدامات به منظور جلوگیری از تجدید موقعیت های ارتکاب جرم، می تواند مداخله کند، ولی حضور این صرفاً کافی نیست و نیاز به همکاری سایر مراجع ذیصلاح دارد..

نتیجه گیری

جامعه به نوعی گرایش ها و تمایلات مادی و معنوی خود را در یک فرآیند متناسب طراحی کرده و رسالت سیاست جنایی فقهی در هر جامعه در واقع تضمین امنیت جانی، مالی، حیثیتی شهروندان از یک سو و تامین امنیت نهادهای عمومی از سوی دیگر است.

سیاست جنایی فقهی به دنبال حفظ یکپارچگی و انسجام جامعه و استمرار بخشیدن به نظم عمومی است. با توجه به اینکه ایران در دنیا یک قطب ورزشی فعال در عرصه های مختلف محسوب می شود، مبارزه و کنترل جرایم ورزشی نیازمند وضع سیاست جنایی متناسب است، چون تخصیص بودجه و نیروی انسانی در توسعه ورزش پاورلیفتینگ امری است ضروری، تا ضامن گسترش ورزش باشد و از طرفی نظارت بر باشگاه های ورزشی به ویژه باشگاه های بدنسازی، آمار تخلفات را کاهش می دهد. در حالیکه مسئولین به بهانه کمبود پرسنل و یا دلایل دیگر از بازدید و نظارت مستمر غافلند. در حالیکه اگر اجرای قوانین به درستی صورت پذیرد، نه تنها تخلفات به طور قطع کاهش پیدا می کند، بلکه نقش ورزشکاران در جلوگیری و پیشگیری از جرایم ناشی از حوادث ورزشی و تامین امنیت در کنار سایر ابزارهای رسمی دولت، یکی از جلوه های مشارکت مردم در جامعه مدنی می باشد که سیاست جنایی مشارکتی، سیاست جنایی توأم با شرکت و وسیع جامعه ورزش است. یعنی در نظر گرفتن آثار ضرورت حمایتی، ایجاد اهرم های تقویتی به غیر از قوه قضائیه به منظور اعتبار بخشیدن بیشتر به یک طرح سیاسی جنایی است که به وسیله قوه مجریه و مقننه تهیه و تدوین می گردد.

متأسفانه از بررسی های به عمل آمده در خصوص باشگاه هایی که غیرقانونی تأسیس شده و یا عملیات غیر قانونی انجام می دهند، بیشترین جرایم و تخلفات ورزشی در آن ها مستتر است، شاید سهولت در تأسیس باشگاه های ورزشی یکی از این موارد باشد. تأسیس باشگاه های ورزشی تنها به گواهی عدم پیشینه و عدم اعتیاد بسنده شده است، در حالیکه مهم ترین عامل برای حفظ شئون اخلاقی و اسلامی فراتر از گواهی عدم سوء پیشینه است. در این خصوص متفکران علوم اسلامی و مدیران ارشد وزارت ورزش و جوانان باید راه های گسترش ورزش همگانی مساعد و نقاط ضعف و قوت فعالیت های حرفه ای ورزشکاران در سایه تدوین قوانین فقهی و آئین نامه های اجرایی دربردارنده منویات سیاست جنایی اسلامی در عرصه بین المللی باشند، زیرا این اقدامات می توانند به صورت حمایتی و فایده گرا و پیشگیرانه تحت تاثیر نهادهای بین المللی و سازمان حقوق بشری باشد، چون مفاهیم و واژگان حقوق بشری در محدوده مشترک کلیه کشورها قرار می گیرد. به نظر بنده که سالهای طولانی در این رشته فعالیت حرفه ای دارم و ایضا آموزش دیده حقوق هستم با همکاری سایر حقوقدانان ورزش در این رشته می توانیم کاسازی بهتری داشته باشیم به امید اینکه این اجرائیات اتفاق بیافتد.

پیشنهادات

پیشنهاد این است تا قوه قضائیه شرایط و امکانات پیشگیری از جرایم ورزش را محیا کند تا جوانان، ورزشکاران خصوصاً پاورکارها بتوانند، مناسب با شرایط آرامش و آسایش خارج از هرگونه عوامل محیطی که پیامدهای سیاسی، اجتماعی،

اقتصادی دارد، دور بوده تا بتوانند به آوردگاه ورزشی متکی و مطابق با نوشتار قانونی نظارت مستمر بر باشگاه های بدنسازی پاورکارها را داشته باشد. با دراختیار داشتن و تدوین شیوه نامه سلامت با نظارت و سازماندهی و پیشگیری از آسیب های اجتماعی، ساختار زیر می تواند ارتقاء تندرستی جامعه ورزش پاورلیفتینگ در اهداف شورای سیاستگذاری متمر فایده باشند، این شیوه نامه توسط کمیته سلامت و ورزش خراسان رضوی در راستای اهداف شورای سیاستگذاری و پیشگیری از آسیب های اجتماعی ورزش با حضور کلیه مسولیت پزشکی، بهزیستی، آموزش و پرورش، استانداری، سازمان هلال احمر انجام داده و اینک در برخی دیگر از آستانه ها قابلیت اجرا پیدا کرده است.

ماده ۱: در جهت ایجاد محیط سالم ورزشی، مطابق ماده ۶ قانون اجازه تأسیس باشگاه ورزشی و ورزشگاه توسط مردم با نظارت دولت، فعالیت کلیه باشگاه های ورزشی و ورزشگاه ها باید تحت نظارت اداره کل ورزش و جوانان، مطابق شئون اسلامی و مقررات و دستورالعمل های وزارت ورزش و جوانان و سایر دستگاه های ذیربط انجام گیرد.

تبصره: در صورتی که دستورالعمل ها مانع توسعه ورزش گردد، کمیته کارشناسی با حضور نمایندگان تام الاختیار، دستگاه های ذیربط با توجه به شرایط آئین نامه های موجود را تعدیل خواهد نمود.

ماده ۲: با توجه به اینکه اغلب تخلفات مربوط به حوزه ورزش و سلامت در اماکن فاقد مجوز توسط افراد فاقد صلاحیت انجام می شود، به منظور پیشگیری از وقوع تخلفات و جرایم مرتبط با حوزه فعالیت ورزش و جوانان لازم است، فعالیت اماکن ورزشی فاقد مجوز و افراد فاقد صلاحیت، قاطعانه جلوگیری شود. تخلفات اماکن فاقد مجوز، صدمات جبران ناپذیری به حوزه ورزش بدنسازی وارد نموده است.

تبصره: فعالیت مراکز و اماکن ورزشی دولتی و خصوصی، منوط به تأیید اداره کل ورزش و جوانان می باشد. در غیر این صورت مراجع انتظامی مکلفند، حسب اعلام اداره کل ورزش و جوانان، نسبت به تحلیل اینگونه اماکن اقدام نمایند.

ماده ۳: پاسخ به کلیه نیازهای اختصاصی جامعه ورزش مرتبط با فعالیت های حوزه بهداشت و درمان که طبق قوانین بین المللی فدراسیون های ورزش آماتوری کشور و یا آئین نامه های وزارت ورزش و جوانان، برای ورزشکاران مجاز شناخته شده، جزء موارد فعالیت های کمیته سلامت و ورزش است.

ماده ۴: به منظور حفظ ارتقاء و تامین سلامت ورزشکاران، کمیته موظف اجرایی نمودن برخورد قانونی با هرگونه تخلف در مراکز و اماکن ورزشی و فعالیت های مرتبط با ورزش منجمله دوپینگ، عرصه دار و نقایص فنی و مرتبط با سلامتی و ... می باشد.

ماده ۵: به منظور تسریع و پیشگیری از وقوع تخلفات ورزش و سلامت، آن دسته از مراکز ورزشی دولتی و خصوصی که فعالیت آن ها توسط کمیته ورزش و سلامت، تخلف محسوب گردد، ابتدا توسط اداره کل ورزش و جوانان، تذکر کتبی دریافت نموده و در صورت عدم توجه و اقدام مناسب، برخورد قانونی صورت پذیرد.

ماده ۶: کلیه مصوبات کمیته سلامت، پس از تأیید نهایی شورای سیاستگذاری و پیشگیری از آسیب های اجتماعی حوزه ورزش و جوانان توسط مدیرکل ورزش و جوانان و یا دستگاه های ذیربط جهت اجرای ابلاغ می گردد.

ماده ۷: کلیه اماکن ورزشی دولتی و خصوصی، هنگام تأسیس و یا تجدید پروانه جهت استعمال و صدور تأیید فنی سلامت به هیأت پزشکی ورزش استان معرفی و صدور یا تجدید پروانه منوط به ارائه تأیید هیأت پزشکی ورزش استان می باشد.

سیاست جنایی فقهی پیشگیرانه در قبال جرایم و تخلفات ورزشی پاورلیفتینگ
این شیوه سلامت که هم اکنون در برخی از استان های کشور قابلیت اجرایی دارد، به طور قاطع باید توسط حقوقدانان اسلامی
بازنگری و مقید به قوانین اسلامی معتبری شود تا در سراسر استان های کشور عملیات به اجرا درآید. این شیوه سلامت که
منوط به تمام رشته های ورزشی بدنسازی می باشد، به شکل محدود عملیاتی گردیده است و قابلیت همه گیری نداشته و
ندارد.

منابع

- آقای نیاء، حسین، حقوق ورزش و مسئولیت های قانونی آن، انتشارات معین.
 - جامپیون، جونپور، واستر، تی، مبانی حقوق و ورزش های ترجمه حسین آقای نیاء، نشر دادگستر.
 - درآمدی بر سیاست جنایی، کریستین لازرژ، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی.
 - درخشانی، لعبت، اخلاق در ورزش، کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۵.
 - سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
 - شعبانی مقدم، کیوان، حقوق ورزشی، اندیشه های حقوقی
 - شکری، نادر، حقوق ورزش، بررسی نظم حاکم بر حقوق ورزشی ایران
 - کوشا، جعفر، سیاست جنایی ایران در لایحه قانون مجازات اسلامی، انطباق با اسناد حقوق بشری و موازین
 - فاضل لنکرانی، محمد، ثلاث رسائل، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، قم، ۵۲۴۱.
 - فقهی، تازه های علوم قضایی، مجموعه مقاله کتاب اول، نشر بنیاد حقوق میزان
 - مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، قم انتشارات امام علی علیه السلام، ۷۲۴۱.
 - مشکینی، میزا محمد حسین، منیة الطالب فی حاشیة المکاسب، المکتسبه المحمدیه، تهران، ۳۷۳۱.
 - نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تازه های علوم جنایی، میزان، تهران، ۲۹۳۱.
 - وحیدی صدر، محمد رضا، سال بررسی فقهی حقوقی آسیب زدن حریف ورزشی، شبکه اجتهاد، ۹۹۳۱.
 - ویلیام مورگان، کلاوس جی، میر آنجلاس جی، اشنادیر، اخلاق در ورزش، ترجمه دکتر سید محمد رضوی، محسن بلوریان.
 - C.Jefferies. siephan1985. sport law study guide.
 - Spengler,0.John.2009 Introduc on to sport law.
 - Tes stevens: Amateur sport. Act of 1998.
 - Well christinel. 1985. women sport 8 performance: a physiology perspective
- www.varzesh.com
www.plympic.ir